

ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل*

فرهاد ریاضت**

مقاله حاضر وضعیت عمومی بانک‌ها را از نظر عملکرد، تحت عنوان «ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل» مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله به مقایسه و انطباق میان شاخص‌های کار بانک‌ها با استانداردهای جهانی و نیز ارتقا و بهبود سطح کار و سیاست‌های بانکداری نوین در کشور اشاره می‌شود. مزایایی که ارزیابی عملکرد بانک‌ها همچنین میزان بهره‌وری بانک‌ها در بر دارد، از مواردی است که در مقاله به آن توجه شده و با معرفی شاخص‌ها از جمله؛ شاخص‌های سرمایه‌گذاری، نسبت سرمایه‌گذاری به جمع‌داری ثابت، شاخص‌های وصول بدهی و اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها و شاخص‌های جذب منابع، دنبال شده‌است. همچنین شاخص‌های سودآوری، به تناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها، وزن دادن به شاخص‌ها و نحوه امتیازدهی در مورد بانک‌ها، از دیگر مسائلی است که در مقاله مورد بحث قرار گرفته‌است.

* - این تحقیق براساس پرسشنامه و به صورت میدانی انجام شده‌است.

** - فرهاد ریاضت؛ فوق لیسانس مدیریت مالی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌های بانک صنعت و

بهبود در بهره‌وری، نتیجه استفاده بهینه و کارآمد از منابع، تقلیل ضایعات، کاهش قیمت تمام شده، بهبود کیفیت، ارتقا رضایت مشتریان، دلپذیری در محیط کار، افزایش انگیزه و علاقه کارکنان به کار است که در نهایت رشد و توسعه هر سازمان را به دنبال خواهد داشت.

افزایش بهره‌وری در نهادهای اقتصادی تنها راه توسعه اقتصادی کشورها می‌باشد که موجب ارتقای سطح رفاه زندگی یک ملت می‌گردد. تحولات معجزه‌آسای رشد و توسعه اقتصادی در کوتاه‌مدت در برخی از کشورها از جمله ژاپن، آلمان، چین و تعدادی از کشورهای شرق آسیا نتیجه افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه، کارآ و اثربخش آنها از منابع فیزیکی و انسانی کشورهايشان بوده‌است.

مؤسسات مالی مهم‌ترین نهادهای اقتصادی یک کشور به شمار می‌رود که رشد و شکوفایی اقتصاد کشور در گرو رشد و توسعه آنها می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه به جهت عدم توسعه بازارهای مالی، مؤسسات مذکور نیز کارایی لازم را ندارند.

بانکها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای بازار مالی در ایران به دلیل عدم گسترش بازارهای مالی از یک سو و ملی بودن بانکها از سوی دیگر، از کارایی مطلوبی برخوردار نبوده‌اند. لذا چنین به نظر می‌رسد که ارزیابی عملکرد بانکها در کشور از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. از این رو در این گزارش طرحی به منظور ارزیابی عملکرد بانکها ارائه گردیده‌است که در راستای ارتقا بهره‌وری می‌تواند اهداف زیر را به دنبال داشته‌باشد:

- افزایش سود ناشی از عملیات بانکی
- بهبود شرایط محیط کار برای کارمندان
- بهبود کیفیت ارائه خدمات به مشتریان و افزایش رضایت آنها
- متعادل نمودن نیروی کار مطابق با وظایف محوله به بانکها

- مقایسه و تطبیق شاخص‌های مرتبط با استانداردهای جهانی
- ارتقا و بهبود سیاست‌های بانکداری نوین در شبکه بانکی کشور
از جمله مزایای ارزیابی عملکرد بانک‌ها و اندازه‌گیری بهره‌وری می‌توان به
موارد ذیل اشاره نمود:

- اندازه‌گیری بهره‌وری می‌تواند در مقایسه سطوح بهره‌وری بین بانک‌ها کمک
نماید.

- اهداف اقتصادی و غیراقتصادی بانک‌ها می‌تواند بر مبنای تلاش‌های
اندازه‌گیری بهره‌وری به روشنی اولویت‌بندی شود.

- مقادیر بهره‌وری به دست آمده از نتایج اندازه‌گیری می‌تواند در برنامه‌ریزی
سطوح سود مورد انتظار بانک‌ها مؤثر باشد.

- طرح‌ریزی اهداف سطوح بهره‌وری سال‌های آتی، می‌تواند بر اساس سطوح
محاسبه شده فعلی، به طور واقعی‌تر انجام گیرد.

- مدیریت منابع برحسب اندازه‌گیری بهره‌وری در کوتاه‌مدت و بلندمدت در
بانک‌ها تسهیل شود.

- اندازه‌گیری بهره‌وری جهت مقایسه، تصمیم‌گیری، حذف یا اصلاح فراگردها
در هر سطح و تحلیل فعالیت‌ها قابل استفاده خواهد بود.

لذا ضرورت ارزیابی عملکرد بانک‌ها کاملاً مشهود است و در این طرح
دستورالعملی برای ارزیابی عملکرد بانک‌های کشور ارایه می‌گردد. باید اذعان نمود که
تدوین دستورالعملی که بتواند دقیقاً عملکرد بانک‌های کشور را ارزیابی نماید نیاز به
اطلاعات بسیار و صرف وقت قابل توجهی دارد و بسیاری از این اطلاعات هم‌اکنون
به صورت مشابه در کلیه بانک‌های کشور در دسترس نیست. لذا به طور مقدماتی و
صرفاً با اتکا به اطلاعاتی که در گزارش حسابرسی و گزارش‌های هیأت مدیره به
مجمع بانک‌ها وجود دارد تدوین دستورالعمل مقدماتی ارزیابی عملکرد و تعیین پاداش
مدنظر قرار گرفته است. با همه دقتی که در تهیه این دستورالعمل مقدماتی و تعریف

شاخص‌های آن به کار رفته است باز هم نمی‌توان گفت این دستورالعمل، خالی از هرگونه ایراد و اشکال می‌باشد. در اینجا باید یادآوری شود که این تحقیق تلاشی برای تهیه یک نمونه اولیه جهت اخذ نظرات مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران و در نهایت رسیدن به الگویی مناسب جهت تعیین میزان عملکرد بانک‌های کشور است، که امید است بتواند زمینه این مهم را فراهم آورد.

الف) معرفی شاخص‌ها

۱- شاخص‌های سرمایه‌گذاری‌ها

این شاخص‌ها، نشان‌دهنده میزان تلاش بانک در جهت اعطای تسهیلات، اعطای وام، سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها و به‌طور کلی انجام سرمایه‌گذاری‌ها مولد است. با توجه به اینکه هر چه تعداد کارکنان بانک نسبت به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده کمتر باشد؛ لازم می‌آید که هر نفر از کارکنان تلاش بیشتری در این زمینه انجام دهد، نسبت مبلغ سرمایه‌گذاری‌ها به تعداد کارکنان، به‌عنوان یک شاخص انتخاب شده‌است. از طرف دیگر ممکن است یک بانک به جای استفاده از نیروی بیشتر برای انجام عملیات سرمایه‌گذاری، بر روی استفاده بیشتر از تکنولوژی تأکید ورزد، در این صورت به‌طور طبیعی نسبت مبلغ سرمایه‌گذاری‌ها به تعداد کارکنان برای این بانک بهبود می‌یابد، لکن بانک مذکور سرمایه ثابت بیشتری را برای انجام این عملیات به کار برده‌است. لذا برای تکمیل این نسبت، نسبت مبلغ سرمایه‌گذاری‌ها به مبلغ دارایی‌های ثابت، بلافاصله پس از آن تعریف شده‌است.

بدیهی است بانک هنگامی می‌تواند نسبت به سرمایه‌گذاری بیشتر اقدام نماید که در جذب و تخصیص منابع، توانایی بیشتری داشته‌باشد. بنابراین برای اندازه‌گیری توانایی بانک در این زمینه شاخص‌های دیگری تحت نسبت‌های سپرده به هزینه تعریف شده‌اند. ممکن است در انتقاد از این شاخص بیان گردد که هدف بانک از انجام سرمایه‌گذاری‌ها و اعطای تسهیلات، کسب سود بیشتر است، همچنین یک بانک ممکن

است در جهت اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری، تلاش‌های زیادی بنماید، لکن جهت وصول اصل و فرع تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری‌ها عملکرد مطلوبی نداشته‌باشد و از این طریق ضررهای جبران‌ناپذیری را متوجه خود کند.

برای رفع اشکالات فوق دو نسبت دیگر پیشنهاد شده‌است. شاخص‌های وصول مطالبات برای ارزیابی عملکرد بانک در وصول اصل و فرع تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها و شاخص‌های سودآوری نیز، جهت ارزیابی عملکرد بانک برای کسب درآمد و سود تعریف گردیده‌است. همچنین برای اینکه عملکرد بانک در این زمینه تحت‌الشعاع عملکرد آن در سایر زمینه‌ها نظیر؛ جذب منابع مالی، وصول مطالبات و کسب سود قرار نگیرد، برای هر کدام از فعالیت‌های فوق، شاخص‌های جداگانه منظور شده‌است.

با بیان مقدمه فوق دو شاخص ذیل تعریف می‌شود:

۱-۱) نسبت سرمایه‌گذاری‌ها به کارکنان:

این نسبت نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی؛ به ازای هر یک نفر از کارکنان بانک می‌باشد و با کسر ذیل محاسبه می‌شود:

مانده ریالی سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی در پایان سال
متوسط تعداد کارکنان

لازم به توضیح است که مانده ریالی سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی در پایان سال نمی‌تواند کاملاً عملکرد بانک را در طول سال در جهت انجام سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی نشان دهد و بهتر است به جای رقم فوق، جمع گردش بدهکار حساب سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی در طول دوره در نظر گرفته شود، لکن به دلیل اینکه این اطلاعات در صورت‌های مالی حسابرسی شده منعکس نیست و به‌دست آوردن رقم دقیق آن (منهای ارقامی که احتمالاً به اشتباه وارد این حساب شده و در پایان دوره اصلاح شده‌است) نیازمند انجام عملیات حسابرسی

جداگانه‌ای است، به رقم مانده ریالی در پایان سال اکتفا شده‌است.

برای تکمیل شاخص فوق لازم است انواع سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی از یکدیگر تفکیک شوند، چرا که مسلماً میزان تلاش و صرف انرژی بانک به نوع تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها بستگی دارد. به همین دلیل انواع تسهیلات و سرمایه‌گذاری ذیل برای جایگزینی در صورت کسر فوق پیشنهاد می‌گردد:

۱-۱-۱) عقود اسلامی به غیر از مشارکت مدنی

۱-۱-۲) وام و اعتبارات اعطایی به بانک‌ها (از جمله بانک مرکزی)

۱-۱-۳) مشارکت مدنی

۱-۱-۴) مشارکت حقوقی

۱-۱-۵) مشارکت مستقیم

۱-۱-۶) وام‌های مسکن به غیر از کارکنان (در صورت وجود)

۱-۱-۷) اوراق مشارکت خریداری شده

۱-۱-۸) طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری

۱-۱-۹) سایر وام‌ها و اعتبارات اعطایی (به غیر از وام‌های اعطایی به کارکنان)

ارزیابی‌کننده با توجه به میزان تلاش و انرژی لازم و همچنین سیاست‌های خود برای انجام هر یک از عملیات فوق، وزن جداگانه در نظر می‌گیرد که در قسمت مربوطه توضیحات مربوط به آن داده شده‌است.

۱-۲) نسبت سرمایه‌گذاری‌ها به جمع دارایی‌های ثابت:

این نسبت نشان‌دهنده میزان تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری انجام شده به ازای هر یک ریال از دارایی‌های ثابت بانک است، بنابراین نشان می‌دهد که بانک در زمینه استفاده از دارایی‌های ثابت خود تا چه حد توانا بوده‌است، که با کسر ذیل محاسبه می‌شود:

مانده ریالی سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات اعطایی در پایان سال
متوسط مانده دارایی‌های ثابت (ابتدا و انتهای سال)

باز هم استفاده از گردش بدهکار حساب برای صورت کسر فوق ارجح است، حال اینکه باتوجه به مشکلات و محدودیت‌های پیش گفته (در نسبت ۱-۱) به مانده پایان سال اکتفا می‌گردد.

برای تکمیل شاخص فوق و وزندهی متفاوت به انواع سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات و وام‌های اعطایی، مشابه نسبت (۱-۱) از تفصیل زیر برای جایگزینی صورت کسر فوق استفاده می‌شود:

۱-۲-۱) عقود اسلامی به غیر از مشارکت مدنی

۱-۲-۲) وام و اعتبارات اعطایی به بانک‌ها (از جمله بانک مرکزی)

۱-۲-۳) مشارکت‌های مدنی

۱-۲-۴) مشارکت حقوقی

۱-۲-۵) مشارکت مستقیم

۱-۲-۶) وام‌های مسکن به غیر از کارکنان (در صورت وجود)

۱-۲-۷) اوراق مشارکت خریداری شده

۱-۲-۸) طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری

۱-۲-۹) سایر وام و اعتبارات اعطایی (به غیر از وام‌های اعطایی به کارکنان)

۲- شاخص‌های وصول مطالبات و کنترل سرمایه‌گذاری‌ها

۲-۱) شاخص وصول وام‌ها، اعتبارات و تسهیلات اعطایی:

برای اندازه‌گیری تلاش بانک در وصول مطالبات (اعم از وام‌ها، اعتبارات و تسهیلات اعطایی و انجام شده) از این شاخص استفاده شده است که از طریق کسر ذیل محاسبه می‌گردد:

مانده ریالی وام، اعتبارات و تسهیلات در پایان سال
مانده ریالی وام‌ها، اعتبارات، تسهیلات معوق و سررسید گذشته

لازم به یادآوری است که معمولاً از عکس نسبت فوق استفاده می‌شود، ولی به

دلیل راحتی کار امتیازدهی به بانک براساس نسبت فوق، این نسبت به شکلی که در پیش گفته شده، تعریف کرده است. همچنین گفتنی است، وصول اصول و فرع وام و اعتبارات و تسهیلات اعطایی، علاوه بر وضعیت کلی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به وضعیت صنعتی که از وام و اعتبار و تسهیلات مذکور استفاده می نماید، بستگی قابل توجهی دارد. مثلاً چنانچه صنعت ساختمان با رکود مواجه گردد، احتمال عدم بازپرداخت وام های مسکن افزایش خواهد یافت، بنابراین میزان وصول یا عدم وصول این گونه وام ها می بایست با توجه به شرایط صنعت ارزیابی گردد. با توجه به اینکه در صورت های مالی و گزارش های هیأت مدیره معمولاً وام ها و اعتبارات و تسهیلات و سرمایه گذاری ها به تفکیک صنایع گزارش نمی گردند، لذا نمی توان از این تفصیل استفاده نمود، با این حال تفصیل ذیل که براساس نوع سرمایه گذاری انجام شده است، پیشنهاد می شود. البته در صورت کسر فوق مانده ریالی هر یک از موارد ذیل و در مخرج، مانده ریالی معوقه ها و سررسید گذشته های هر یک درج می گردد.

۲-۱-۱) عقود اسلامی به غیر از مشارکت مدنی، تحت تأثیر وضعیت کلی اقتصاد

۲-۱-۲) وام ها و اعتبارات اعطایی به بانک ها و از جمله بانک مرکزی، (تحت تأثیر

صنعت بانکداری)

۲-۱-۳) مشارکت های مدنی؛ تحت تأثیر وضعیت کلی اقتصاد

۲-۱-۴) وام مسکن به غیر از کارکنان؛ تحت تأثیر صنعت مسکن

۲-۱-۵) وام های قدیم

۲-۱-۶) اوراق مشارکت خریداری شده

۲-۱-۷) سایر وام ها و اعتبارات اعطایی، به غیر از وام های اعطایی به کارکنان

۲-۲) شاخص وصول بدهی اعتبارات اسنادی و ضمانت نامه ها:

با توجه به اینکه، صد در صد اعتبارات اسنادی و ضمانت نامه هایی که بانک متعهد پرداخت آنها می باشد، به صورت نقد توسط مشتریان نزد بانک تودیع نمی شود،

لذا حساب مشتریان از بابت پرداخت‌های مذکور بدهکار می‌گردد. بنابراین بانک باید جهت وصول این گونه مطالبات تلاش نماید. بدین ترتیب دو نسبت ذیل برای اندازه‌گیری این فعالیت پیشنهاد می‌شوند که هر یک می‌تواند وزن‌های جداگانه‌ای داشته‌باشد:

۲-۲-۱) نسبت اعتبارات اسنادی تعهد شده به بدهکاران اعتبارات اسنادی:

این نسبت توسط کسر ذیل محاسبه می‌شود:

مانده ریالی اعتبارات اسنادی تعهد شده در پایان سال
مانده ریالی بدهکاران اعتبارات اسنادی در پایان سال

که صورت کسر معمولاً در صورت‌های مالی و در بخش حساب‌های انتظامی درج می‌گردد.

۲-۲-۲) نسبت ضمانت‌نامه‌های تعهد شده به بدهکاران ضمانت‌نامه‌ها: که

توسط کسر ذیل محاسبه می‌شود:

مانده ریالی ضمانت‌نامه‌های تعهد شده در پایان سال
مانده ریالی بدهکاران ضمانت‌نامه‌ها در پایان سال

که همانند اعتبارات اسنادی تعهد شده، صورت کسر در حساب‌های انتظامی صورت‌های مالی، درج می‌گردد.

۲-۳) شاخص کنترل طرح‌های سرمایه‌گذاری:

سایر سرمایه‌گذاری‌ها به غیر از مواردی که در قسمت‌های (۲-۱) و (۲-۲) ذکر شده‌است، دارای سررسید مشخص نمی‌باشند و یا در صورت داشتن سررسید، نظیر اوراق مشارکت دولتی، بانک عملاً نمی‌تواند در مورد وصول به موقع آنها اقدام دهد. در مورد دسته اول چنانچه سرمایه‌گذاری‌ها، دارای مدت زمان معینی برای اجرا و رسیدن به بهره‌برداری هستند از جمله؛ طرح‌های سرمایه‌گذاری، میزان تأخیر در انجام طرح می‌تواند ملاک ارزیابی عملکرد بانک قرار گیرد. بنابراین شاخص ذیل برای این

فعالیت در نظر گرفته می‌شود:

۱-۲-۳) میزان تأخیر در بهره‌برداری از طرح‌های سرمایه‌گذاری به ماه، ضربدر مانده ریالی سرمایه‌گذاری انجام شده در پایان سال.

همانطور که دیده می‌شود مطابق شاخص فوق هر چه میزان تأخیر و مبلغ ریالی صرف شده در سرمایه‌گذاری به دست آمده بیشتر باشد، عدد حاصله بیشتر خواهد بود. به ازای هر یک ریال - ماه تأخیری که از حد مجاز بیشتر شده باشد، امتیاز منفی و در صورتی که تأخیری صورت نگرفته و یا تأخیر در حد مجاز باشد، امتیازات مثبتی در نظر گرفته می‌شود. تأخیر مجاز و نحوه امتیازدهی در قسمت مربوط به خود نیز توضیح داده شده است.

۳- شاخص‌های جذب منابع:

روشن است جذب منابع مالی در صنعت بانکداری از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از اهداف یک بانک جمع‌آوری وجوه از افراد دارای مازاد وجوه و انتقال وجوه به افرادی است که مایل به انجام سرمایه‌گذاری هستند. بنابراین لازم است عملکرد بانک در راستای جذب منابع اندازه‌گیری شود که برای انجام این امر کسر ذیل پیشنهاد می‌گردد:

مانده ریالی انواع منابع مالی جذب شده در پایان سال
جمع هزینه‌های اداری، تشکیلاتی و استهلاکات

این نسبت نشان می‌دهد که بانک به ازای هر یک ریال از هزینه‌های انجام شده، توانسته چند ریال منابع مالی جذب کند، بدیهی است که هر چه هزینه‌های بیشتری ایجاد گردد، باید به همان نسبت منابع بیشتری جذب شود. البته هزینه‌های سود و کارمزد در میزان جذب منابع تأثیری مستقیمی دارند ولی با این حال در مخرج کسر فوق منظور نشده‌اند. علت آن است که تعیین نرخ‌های سود و کارمزد بانکی معمولاً خارج از اختیارات مدیریت بانک‌ها بوده و به سیاست بانک مرکزی و شورای پول و

اعتبار بستگی دارد.

منابع مختلف مالی بانکها خصوصیات مربوط به خود را دارند. گاهی در تبصره‌های بودجه منابعی برای بعضی از بانکها در نظر گرفته می‌شود که بانک در جذب آنها تقریباً هیچ نقشی ندارد. بعضی از منابع نظیر سپرده‌های قرض‌الحسنه و جاری، ارزان قیمت هستند ولی در عوض دوره بازپرداخت آنها کوتاه و غیرقابل برنامه‌ریزی است و نمی‌توان برای انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت از آنها استفاده قابل توجهی نمود. برعکس بعضی از منابع نظیر سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بلندمدت‌تر هستند لکن هزینه بیشتری را می‌طلبند. به همین دلیل جذب بعضی از منابع اهمیت بیشتری دراند و سیاست‌گذاران تمایل به تأکید بیشتری بر آنها دارند و جذب بعضی دیگر تلاش بیشتری می‌طلبد، بنابراین باید وزن بیشتری داشته باشند. برای رسیدن به این مقصود، منابع مالی به شکل زیر تفکیک می‌گردد که با جای‌گذاری هر کدام در صورت کسر عنوان شده در بالا، شاخص مجزایی حاصل می‌شود:

۳-۱) جاری اشخاص و سایر سپرده‌های دیداری

۳-۲) سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت

۳-۳) سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت

۳-۴) حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سایر سپرده‌ها، از جمله سپرده

پس‌انداز قرض‌الحسنه مسکن

۳-۵) وجوه اداره شده

۳-۶) سپرده و اعتبارات و تسهیلات دریافتی از سایر بانکها

در مخرج کسر، همچنان جمع هزینه‌های پرسنلی، اداری و تشکیلاتی و

استهلاکات باقی می‌ماند چرا که عملاً تعیین اینکه بابت هر یک از منابع جذب شده چه مقدار از هزینه‌ها تخصیص می‌یابند، میسر نیست.

۴- شاخص‌های سودآوری

در کنار سایر اهداف یک بانک، سودآوری از اهداف مهم تلقی می‌شود. بدون سودآوری مناسب، امکان ادامه فعالیت در درازمدت از بین می‌رود، بنابراین شاخص‌های سودآوری به قرار ذیل تعریف می‌شوند:

۴-۱) نسبت سود قبل از کسر مالیات به جمع درآمدها:

این نسبت نشان می‌دهد که بانک تا چه حد نسبت به کنترل هزینه‌ها جهت کسب سود بیشتر از درآمدها تلاش نموده‌است. این نسبت به شکل ذیل تعریف می‌شود:

سود قبل از کسر مالیات

جمع درآمدها

در محاسبه جمع درآمدها لازم است درآمدهای غیر عملیاتی را نیز منظور داشت چرا که به هر حال بانک برای کسب این گونه درآمدها نیز متحمل هزینه شده‌است.

۴-۲) نسبت جمع درآمدها به جمع هزینه‌های سود و کارمزد پرداختی:

هدف از این نسبت تعیین این واقعیت است که بانک جهت کسب هر یک ریال از درآمدهای خود چه مقدار هزینه نموده‌است. این نسبت به شکل ذیل محاسبه می‌گردد:

جمع درآمدها

جمع هزینه‌ها منهای سود و کارمزد پرداختی

همانند نسبت (۴-۱) در محاسبه جمع درآمدها، درآمدهای غیرعملیاتی نیز لحاظ می‌گردند.

۴-۳) نسبت جمع کارمزد دریافتی به جمع هزینه‌ها منهای هزینه‌های سود و کارمزد پرداختی:

یکی از وظایف هر بانک ارایه خدمات مطلوب بانکی است. قاعدتاً این خدمات باید

با کمترین هزینه ممکن ارایه شوند. برای این منظور نسبت زیر نشان می‌دهد که بانک در ازای یک ریال هزینه، چند ریال درآمد بابت خدمات بانکی کسب نموده‌است:

کارمزد دریافتی بابت خدمات بانکی ارایه شده
جمع هزینه‌ها منهای سود و کارمزد پرداختی

در محاسبه کارمزد خدمات بانکی، لازم است تنها حق‌العمل‌های دریافتی^(۱) سود وام‌ها و اعتبارات پرداختی^(۲) در نظر گرفته شود. کارمزد نگهداری حساب‌های دولتی، کارمزد ضمانت‌نامه‌های صادره و کارمزد عملیات ارزی، جزئی از این درآمدها محسوب می‌شوند.

۴-۴) نسبت جمع درآمدها به تعداد کارکنان:

یکی از منابع مهم بانک و البته هر سازمان دیگری، کارکنان آن می‌باشد. لازم است عملکرد بانک در بهره‌گیری کارآ از نیروی کار خود به وسیله یک شاخص اندازه‌گیری شود. این شاخص به همین منظور طراحی شده و میزان درآمد سرانه را نشان می‌دهد که به شکل زیر تعریف می‌شود:

جمع درآمدها

متوسط تعداد کارکنان در ابتدا و انتهای سال

۴-۵) نسبت جمع درآمدها به جمع دارایی‌ها:

به‌کارگیری مناسب و کارآمد دارایی‌ها در کسب درآمد، نشان از موفقیت مدیریت بانک در این قسمت دارد. لذا شاخص ذیل تعریف می‌شود تا نشان داده شود به ازای یک ریال از دارایی‌ها چند ریال درآمد کسب شده است:

جمع درآمدها

متوسط جمع دارایی‌ها در ابتدا و انتهای سال

۴-۶) نسبت جمع درآمدها به جمع دارایی‌های ثابت:

جهت‌گیری بانک به سمت مکانیزاسیون و همچنین افتتاح شعب بیشتر، جمع دارایی‌های ثابت و به تبع آن هزینه‌های استهلاک را افزایش می‌دهد. لازم است بانک در حرکت به این سمت، به شکل کارآ عمل کند و از دارایی‌های ثابت حاصله حداکثر بهره‌برداری را بنماید. این نسبت برای ارزیابی این مهم به صورت زیر تعریف شده و نشان می‌دهد به ازای یک ریال از دارایی ثابت، چند ریال درآمد کسب شده است:

جمع درآمدها

متوسط مبلغ ریالی خالص دارایی‌های ثابت در ابتدا و انتهای سال

در جمع درآمدها، درآمدهای غیرعملیاتی نیز منظور شده و خالص دارایی‌های ثابت - پس از کسر استهلاک انباشته - مدنظر قرار می‌گیرد.

۵- شاخص‌های تناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها

مدیریت صحیح ترانزنامه^(۱) برای بانک به‌عنوان یک مؤسسه مالی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این بدان معنی است که بدهی‌های بانک نباید از حد معینی تجاوز کند و سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های بانک باید از الگوی انطباقی پیروی نماید. برای اطمینان از این موضوع، نسبت‌های اهرمی در این بخش تعریف شده است. این نسبت‌ها باید با استانداردهایی که از قبل تعیین می‌شود، مقایسه شوند.

۵-۱) نسبت جاری:

بدهی‌های جاری از جمله اقلامی هستند که انتظار می‌رود ظرف یک سال پرداخت شود. عمده اقلام سمت چپ ترانزنامه بانک‌ها را این ارقام تشکیل می‌دهند. هر سازمان و بالاخص بانک‌ها، باید به اندازه کافی دارایی جاری جهت بازپرداخت به موقع بدهی‌های جاری خود در اختیار داشته باشند. دارایی‌های جاری، دارایی‌هایی هستند که

انتظار می‌رود ظرف یک سال به نقد تبدیل شوند، این نسبت جهت کنترل این موضوع تعریف می‌شود که به نسبت جاری معروف بوده و باید با استاندارد صنعت بانکداری مقایسه گردد:

جمع دارایی‌های جاری
جمع بدهی‌های جاری

برای ارزیابی این نسبت، متوسط صنعت بانکداری به عنوان استاندارد پیشنهاد می‌شود.

۵.۲) نسبت سریع:

وجود دارایی‌های جاری کافی، به منظور اطمینان از بازپرداخت سریع بدهی‌ها، در حالت پیش‌بینی شده کفایت نمی‌کند. در نهایت این پول نقد است که می‌تواند برای پرداخت بدهی‌های طلب شده به کار آید. به همین منظور نسبت زیر که به نسبت سریع معروف است، تعریف می‌شود: جمع دارایی‌های سریع برای ارزیابی این نسبت جمع بدهی‌های جاری متوسط صنعت بانکداری، به عنوان استاندارد پیشنهاد می‌شود.

۵.۳) نسبت اهرمی:

افزایش بیش از حد بدهی‌ها، اعتبار بانک را به خطر می‌اندازد که تبعات نامطلوب متعددی برای بانک به همراه دارد. به منظور کنترل سطح بدهی‌ها در حد استاندارد این نسبت تعریف می‌گردد: جمع دارایی‌ها برای ارزیابی این نسبت، متوسط صنعت بانکداری در کشور را به عنوان عدد استاندارد پیشنهاد می‌نماییم. جمع بدهی‌ها

۶- شاخص نظرات حسابرسی

باتوجه به اینکه بانک‌ها جزیی از مؤسسات مالی قلمداد می‌شوند بنابراین سلامت مالی و شفافیت گزارش‌های مالی تهیه شده توسط آنها و نیز تدوین و به

کارگیری مکانیسم‌های صحیح حسابداری جهت ثبت و نگهداری و کنترل حساب‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا شاخص‌های ذیل به این منظور تعریف شده‌است:

۶-۱) نسبت مبلغ ریالی عدم اظهار نظر حسابرس - به علت عدم دسترسی به مدارک و شواهد کافی - به جمع کل دارایی‌ها و یا جمع درآمدها:

گاهی حساب‌رسان به دلیل محدودیت در رسیدگی و عدم دسترسی به مدارک و شواهد کافی نمی‌توانند در خصوص قسمتی از مبالغی که در ترازنامه و سود و زیان گزارش شده‌است، اظهار نظر نمایند. در این صورت مبالغ با اهمیت در گزارش حسابرس منعکس می‌گردد. چنانچه مبلغ مذکور مربوط به ترازنامه باشد، به جمع دارایی‌ها و چنانچه به صورت حساب سود و زیان مربوط گردد، به جمع درآمدها تقسیم می‌گردد. به ازای هر یک درصد افزایش در حاصل کسر مذکور، امتیازات منفی در نظر گرفته می‌شود. نحوه امتیازدهی در قسمت مربوط آورده شده‌است.

۶-۲) شاخص نقض قوانین و مقررات: این شاخص به دو شکل زیر تعریف می‌شود:

مبلغ ریالی قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های نقض شده و تعداد موارد نقض قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها
جمع کل دارایی‌ها یا درآمدها

منظور از مبلغ ریالی قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های نقض شده، مبلغی ثبت شده در صورت‌های مالی است که در مورد آن قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها رعایت نشده باشد. چنانچه این مبلغ جزئی از اقلام ترازنامه محسوب گردد، بر جمع کل دارایی‌ها، و چنانچه از اقلام سود و زیان باشد، بر جمع درآمدها تقسیم می‌شود. هر چه حاصل کسر فوق بیشتر باشد امتیازات منفی بیشتری منظور می‌گردد. شرح مفصل نحوه امتیازدهی در بخش مربوطه درج شده‌است.

۶-۳) نوع نظریه حسابرِس در مورد صورت‌های مالی:

نظریه حسابرِس در مورد صورت‌های مالی به صورت یکی از این حالت‌ها

است:

نظریه مقبول، نظریه مشروط، نظریه رد، و عدم اظهار نظر که برای هر کدام امتیاز منفی یا مثبت جداگانه در نظر گرفته می‌شود. شرح مفصل نحوه امتیازدهی در بخش مربوطه آورده شده است.

۷- سایر شاخص‌ها

در این بخش جهت تکمیل شاخص‌هایی که پیش‌تر گفته شد، دو شاخص دیگر به منظور اندازه‌گیری عملکرد بانک در مکانیزاسیون شعب و افتتاح شعب جدید به شرح زیر تعریف می‌شود:

۷-۱) شاخص مکانیزاسیون شعب:

این شاخص نشان می‌دهد که بانک تا چه حد در جهت بهره‌گیری از تکنولوژی جدید نرم‌افزاری و سخت‌افزاری رایانه‌ای و ارتباطات از راه دور، تلاش نموده است. به همین دلیل تعداد شعبی که در سال مورد بررسی از یک تکنولوژی جدید نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری رایانه‌ای و یا ارتباطات از راه دور بهره گرفته‌اند؛ در این زمینه برحسب نوع تکنولوژی، ملاک محاسبه عملکرد، قرار می‌گیرند که برای هر شعبه، با شرایط پیش گفته، یک امتیاز محسوب شده و برای تکنولوژی‌های مختلف اوزان جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

۷-۲) شاخص افتتاح شعب جدید:

به منظور تشویق بانک‌ها به افتتاح شعب جدید، برای هر شعبه جدید افتتاح شده در سال مورد بررسی، امتیازی در نظر گرفته می‌شود. ارزیابی‌کننده می‌تواند با توجه

به سیاست‌های خود برای این شاخص وزن خاصی در نظر بگیرد. چنانچه افتتاح شعبه جدید اصولاً منظور نظر نباشد، این وزن می‌تواند تا حد صفر کاهش یابد. چنانچه شعبه جدید افتتاح شده سود ده نباشد، باعث تضعیف نسبت تعریف شده در بند (۷-۳) می‌شود، بنابراین ترکیب این شاخص با شاخص (۷-۳)، مدیران را به افتتاح شعب سود ده جدید ترغیب خواهد نمود.

۷-۳) نسبت شعب سود ده به کل شعب:

به منظور تشویق مدیریت در جهت سودآور نمودن شعب خود، این نسبت چنین

تعریف می‌شود:

$$\frac{\text{تعداد شعب سود ده}}{\text{تعداد کل شعب}}$$

کاهش این نسبت از سالی به سال دیگر نشان‌دهنده عملکرد نامطلوب و افزایش آن نشان‌دهنده عملکرد مطلوب بانک خواهد بود.

ب) وزن‌دهی به شاخص‌ها

حال که از تعریف شاخص‌های ارزیابی عملکرد فارغ شده‌ایم، نوبت به وزن‌دهی هر یک از شاخص‌ها می‌رسد. بدیهی است با یک نظر اجمالی می‌توان فهمید که شاخص‌های پیش گفته نمی‌توانند وزن واحدی داشته باشند. برای مثال؛ تلاش‌هایی که برای انجام به موقع سرمایه‌گذاری‌ها انجام می‌شود، بسیار فراتر از تلاشی است که برای کسب یک ریال درآمد سرانه بیشتر صرف می‌شود. این مسئله در مورد شاخص‌هایی که در یک گروه طبقه‌بندی می‌شوند نیز مصداق دارد. مثلاً سرمایه‌گذاری یک ریال بیشتر در خرید سهام نمی‌تواند به اندازه اعطای یک ریال بیشتر تسهیلات عقود اسلامی، از یک بانک انرژی صرف کند. علاوه بر این مسئله، ممکن است عملکرد بانک در بعضی از امور باتوجه به شرایط خاص سال مورد بررسی، چندان با اهمیت نباشد، حال اینکه؛ انجام بعضی از عملیات در شرایطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شوند. مثلاً در شرایطی خاص ممکن است مشارکت غیرمستقیم در طرح‌های

سرمایه‌گذاری از مشارکت مستقیم آن مطلوب‌تر باشد. بنابراین به منظور سیاست‌گذاری صحیح و هدایت بانک در مسیرهای موردنظر، می‌توان برای شاخص‌هایی که عملیات مهم‌تری را ارزیابی می‌کنند، وزن بیشتری قایل شد. برای رسیدن به اهداف فوق، یک مقیاس صدامتیازی در نظر گرفته شده است. به شاخص‌هایی که با اندازه‌گیری عملیاتی، بیشترین انرژی بانک صرف آنها می‌شود و از نظر سیاست‌گذار نیز، بالاترین اهمیت را دارند، وزن ۱۰۰ داده شده و به سایر شاخص‌ها در مقایسه با آن، وزن‌های متناسبی داده می‌شود. با این روش ممکن است به شاخص‌های متفاوت، وزن‌های یکسانی داده شود. این اوزان می‌توانند با تغییر شرایط و به منظور اعمال سیاست‌های جدید، تغییر یابند. اکنون برای شاخص‌های پیش گفته وزن‌های زیر پیشنهاد می‌گردد.

| وزن | شماره شاخص |
|-----|------------|
| ۱۰۰ | ۴-۱ |
| ۴۰ | ۴-۲ |
| ۲۰ | ۴-۳ |
| ۱۲ | ۴-۴ |
| ۷۰ | ۴-۵ |
| ۱۵ | ۴-۶ |
| ۱۵ | ۵-۱ |
| ۲۰ | ۵-۲ |
| ۱۰ | ۵-۳ |
| ۱۰۰ | ۶-۱ |
| ۱۰۰ | ۶-۲ |
| ۱۰۰ | ۶-۳ |
| ۶۰ | ۷-۱ |
| ۶۰ | ۷-۲ |
| ۶۰ | ۷-۳ |
| | |
| | |

| وزن | شماره شاخص |
|-----|------------|
| ۵ | ۱-۲-۹ |
| ۲۰ | ۲-۱-۱ |
| ۷ | ۲-۱-۲ |
| ۲۰ | ۲-۱-۳ |
| ۲۰ | ۲-۱-۴ |
| ۲۰ | ۲-۱-۵ |
| ۱۰ | ۲-۱-۶ |
| ۱۵ | ۲-۱-۷ |
| ۱۲ | ۲-۲-۱ |
| ۱۲ | ۲-۲-۲ |
| ۶۰ | ۲-۳-۱ |
| ۷ | ۳-۱ |
| ۱۵ | ۳-۲ |
| ۲۰ | ۳-۳ |
| ۱۲ | ۳-۴ |
| ۵ | ۳-۵ |
| ۵ | ۳-۶ |

| وزن | شماره شاخص |
|-----|------------|
| ۷ | ۱-۱-۱ |
| ۵ | ۱-۱-۲ |
| ۸ | ۱-۱-۳ |
| ۱۰ | ۱-۱-۴ |
| ۷ | ۱-۱-۵ |
| ۷ | ۱-۱-۶ |
| ۵ | ۱-۱-۷ |
| ۷ | ۱-۱-۸ |
| ۷ | ۱-۱-۹ |
| ۱۵ | ۱-۲-۱ |
| ۵ | ۱-۲-۲ |
| ۱۵ | ۱-۲-۳ |
| ۱۰ | ۱-۲-۴ |
| ۱۰ | ۱-۲-۵ |
| ۱۵ | ۱-۲-۶ |
| ۵ | ۱-۲-۷ |
| ۱۵ | ۱-۲-۸ |

ج) نحوه امتیازدهی

۱-ج) گزینه اول

۱) نحوه امتیازدهی کلیه شاخص‌ها به استثنای شاخص (۱-۳-۲) و شاخص‌های مذکور در بندهای ۵، ۶ و ۷:

برای ارزیابی عملکرد و تشویق بانک‌ها به بهبود مداوم، لازم است شاخص‌های محاسبه شده با عملکرد گذشته همان بانک مقایسه شود. این بدان دلیل است که شرایط حاکم بر محیط یک بانک نظیر فرهنگ سازمانی، شرایطی است که انتظار نمی‌رود یک بانک (یا هر سازمان دیگر) بتواند به ناگهان خود را به سطح استانداردهای مطلوب برساند. بنابراین بهتر است عملکرد مدیریت را در یک سال نسبت به عملکرد سال گذشته مقایسه نمود و انتظار داشت این عملکرد کمی بهتر شده باشد. به همین منظور علاوه بر محاسبه کلیه شاخص‌ها (به غیر از شاخص (۱-۳-۲) و شاخص‌های مذکور در بندهای ۵ و ۶ و ۷، برای سال مورد بررسی، آنها را برای یک سال قبل از سال مورد بررسی نیز محاسبه می‌نماییم و اعداد حاصل را از یکدیگر کسر می‌کنیم تا میزان رشد یا کاهش شاخص در سال مورد بررسی نسبت به سال قبل محاسبه شود. این رشد یا کاهش را ΔF نام نهاده که مجدداً به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$\Delta F = \left[\begin{array}{c} \text{اندازه شاخص تعریف شده} \\ \text{در سال مورد بررسی} \end{array} \right] - \left[\begin{array}{c} \text{اندازه شاخص تعریف شده در} \\ \text{سال قبل از سال مورد بررسی} \end{array} \right]$$

عدد حاصل نشان می‌دهد که بانک مورد بررسی از نظر عملکرد - در زمینه‌ای که شاخص مورد نظر اندازه‌گیری می‌کند - تا چه حد به سمت مطلوب حرکت کرده است. این عدد بنا به مورد، می‌تواند یک عدد مثبت یا منفی باشد. اما همانطور که در مقدمه نیز بیان گردید، رشد یا کاهش حاصل در شاخص که در ΔF منعکس است، به طور کامل تحت تأثیر متغیرهایی که تحت کنترل مدیریت می‌باشند، قرار ندارد بنابراین لازم است ΔF به طریقی اصلاح گردد. چنانچه متغیرهای محیطی باعث بهبود ΔF گردند، این اصلاح باید منجر به کاهش ΔF شود و اگر این متغیرها اثر نامطلوبی بر ΔF گذاشته است، این اصلاح باید در جهت افزایش ΔF باشد تا ΔF اصلاح شده، نتیجه واقعی

عملکرد مدیریت را نشان دهد.

برای ΔF می‌توان از شاخص‌های صنعت استفاده نمود. بدین صورت که متوسط رشد و یا کاهش شاخص موردنظر را برای کلیه بانک‌ها در سال مورد بررسی نسبت به سال قبل محاسبه کرده و به عنوان ΔI به این شرح تعریف نمود:

$$\Delta F = \left[\begin{array}{c} \text{متوسط شاخص مورد نظر در} \\ \text{سال قبل از سال مورد بررسی} \end{array} \right] - \left[\begin{array}{c} \text{متوسط شاخص مورد نظر} \\ \text{در سال مورد بررسی} \end{array} \right]$$

چون کلیه بانک‌ها تحت تأثیر متغیرهای محیطی واحدی قرار می‌گیرند، بنابراین ΔI می‌تواند نماینده اثرات این متغیرها بر روی شاخص موردنظر باشد. این عدد نیز مانند ΔI می‌تواند مثبت یا منفی باشد. چنانچه ΔI منفی باشد، بدین معنی است که: متغیرهای محیطی منجر به اثرات نامطلوبی بر شاخص مورد نظر شده‌اند و برعکس مثبت بودن ΔI اثر مثبت متغیرهای محیطی را نمایان می‌سازد. مثلاً چنانچه در اثر سیاست‌های اقتصادی یا وضعیت سیاسی و اجتماعی یا سیاست‌های پولی و بانکی تمایل به پس‌انداز کاهش یابد، در نتیجه شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری میزان توانایی بانک‌ها در جذب منابع به کار می‌روند، به سمت پایین حرکت می‌کنند و در نتیجه علاوه بر اینکه ΔF برای هر بانک مورد بررسی کاهش می‌یابد، متوسط شاخص موردنظر برای کلیه بانک‌ها یعنی ΔI نیز کاهش می‌یابد. بدین لحاظ چنانچه ΔI را از ΔF کسر نماییم، خالص تغییرات شاخص در دو سال متوالی که ناشی از عملکرد واقعی مدیریت است، به دست می‌آید و چنانچه آن را بر ΔI تقسیم کنیم، درصد تغییراتی که مدیریت در آن نقش داشته‌است به شرح زیر حاصل می‌شود:

$$P = \frac{\Delta F - \Delta I}{\Delta I}$$

روشن است که چنانچه ΔI منفی باشد باعث بهبود ΔF و چنانچه مثبت باشد باعث کاهش ΔF می‌گردد. حال عدد حاصل برای P را با یکی از طبقات مندرج در جدول زیر انطباق داده و امتیاز موردنظر را به دست می‌آوریم. حداکثر امتیاز هر شاخص

| مقدار عدد P | از ۱۵٪ به بالا | از ۵٪ تا ۱۵٪ | از ۵٪ تا ۱۰٪ | از ۱۰٪ تا ۲۰٪ | از ۲۰٪ به پایین |
|-----------------|--|--|--|---|---|
| نحوه امتیاز دهی | به ازای هر یک درصد افزایش، ۳ امتیاز مثبت به اضافه کل امتیازات مثبت | به ازای هر یک درصد افزایش، ۲ امتیاز مثبت به اضافه کل امتیازات مثبت | به ازای هر یک درصد کاهش یک امتیاز منفی | به ازای هر یک درصد کاهش، ۲ امتیاز منفی به اضافه امتیازات منفی | به ازای هر یک درصد کاهش، ۳ امتیاز منفی به اضافه امتیازات منفی |
| | سطوح قبل | سطوح قبل | | سطوح قبل | سطوح قبل |

۲) نحوه محاسبه امتیاز شاخص (۱-۳-۲):

محاسبه امتیاز برای این شاخص با توجه به جدول زیر صورت می‌پذیرد.

| میزان تأخیر | بدون تأخیر یا کمتر از ۲ ماه تأخیر | بیش از ۲ ماه تأخیر |
|-----------------|--|---|
| نحوه امتیاز دهی | یک امتیاز مثبت بابت هر یکصد میلیون ریال از مبلغ سرمایه‌گذاری شده | یک امتیاز منفی بابت هر یکصد میلیون ریال - ماه (شاخص محاسبه بیمه شده) از مبلغ سرمایه‌گذاری شده |

۳) نحوه محاسبه امتیاز شاخص‌های بند ۵:

برای امتیاز دهی به این شاخص‌ها که متشکل از سه شاخص نسبت جاری، نسبت آنی و نسبت اهرمی می‌باشند، لازم است برای هر کدام، یک استاندارد تعریف شود. درصد تغییر نسبت به استانداردهای تعیین شده محاسبه و طبق جدول ذیل نسبت به محاسبه امتیاز اقدام می‌شود:

| درصد تغییر نسبت به استاندارد | افزایش بیش از ۵۰٪ | از ۲۰٪ تا +۵۰٪ افزایش | از ۱۰٪ تا +۲۰٪ افزایش | تا ۱۰٪ افزایش | از ۱۰٪ تا -۲۰٪ کاهش | از ۲۰٪ تا -۵۰٪ کاهش | کاهش بیش از ۵۰٪ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| نحوه امتیازدهی | ۳ امتیاز منفی | دو امتیاز منفی | یک امتیاز منفی | ۱۰ امتیاز مثبت بابت هر یک | یک امتیاز منفی برای هر یک | دو امتیاز منفی بابت هر یک | ۳ امتیاز منفی |
| درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | درصد دور شدن از استاندارد به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل |

حداکثر امتیازات برای این شاخص ۱۰۰+ و حداقل ۵۰- خواهد بود.

۴) نحوه امتیازدهی به شاخص بند ۶:

۴-۱- برای بند (۶-۱) به ازای هر یک درصد از شاخص محاسبه شده ۱۰ امتیاز منفی از عدد ۱۰۰ کسر می‌گردد. بنابراین؛ چنانچه حسابرس راجع به هیچ یک از مبالغ مندرج در ترازنامه و حساب سود و زیان اظهار نظر ننموده باشد، هیچ امتیاز منفی در نظر گرفته نشده و بنابراین امتیاز مثبت برابر ۱۰۰ خواهد بود و در صورتی که ۱۵ درصد از دارایی‌ها یا درآمدها منجر به عدم اظهار نظر شود امتیاز حاصل ۵۰- خواهد بود. مبالغ عدم اظهار نظری که بین صفر تا ۱۵ درصد از کل دارایی‌ها یا درآمدها می‌باشد، متناسباً بنی ۵۰- تا ۱۰۰+ امتیاز خواهد گرفت. این شاخص دارای حد پایینی از امتیازات منفی نمی‌باشد. یعنی؛ اگر بیش از ۱۵ درصد از دارایی‌ها یا درآمدها به عدم

اظهار نظر منجر شود، امتیاز منفی بیش از ۵۰- خواهد بود.

۴-۲- برای بند (۶-۲) به ازای هر یک مورد از نقض قوانین و مقررات ۵ امتیاز منفی در نظر گرفته می‌شود. امتیاز منفی در این مورد هیچ حد پایینی ندارد. همچنین برای هر یک درصد مبلغ ریالی که در آن قوانین و مقررات و دستورالعمل نقض شده‌اند، نسبت به جمع دارایی‌ها یا درآمدها (بنا به مورد)، ۵ امتیاز منفی در نظر گرفته می‌شود و از عدد ۱۰۰ کسر می‌شود. در این مورد نیز حد پایینی برای امتیازات منفی در نظر گرفته نمی‌شود. جمع امتیازات دو مورد فوق، امتیاز این دو شاخص را تشکیل می‌دهد.

۴-۳- برای محاسبه امتیاز بند (۶-۳) لازم است نوع اظهار نظر حسابرس اعم از: مقبول، مشروط، رد یا عدم اظهار نظر راجع به صورت‌های مالی، تعیین شود. در صورتی که صورت‌های مالی رد شده و یا حسابرس نسبت به آنها اظهار نظر ننموده باشد، مبنای محاسبه شاخص‌های قبلی به‌طور کلی زیر سؤال می‌رود و با بانک مذکور باید به صورت ویژه عمل نمود. لکن چنانچه اظهار نظر حسابرس مقبول باشد ۱۰۰ امتیاز مثبت در نظر گرفته می‌شود و چنانچه اظهار نظر وی مشروط باشد، به ازای هر بند، اضافه شدن ۲۵ امتیاز منفی به گزارش حسابرس تعلق گرفته و از عدد ۱۰۰ کسر می‌گردد. برای این شاخص نیز حد پایینی از امتیازات منفی در نظر گرفته نمی‌شود.

۵) نحوه امتیازدهی به شاخص‌های بند ۷:

این بند از سه شاخص مجزا تشکیل شده، که هر کدام به شرح زیر امتیازدهی می‌شود:

۵-۱- در مورد شاخص (۷-۱) برای هر شعبه جدید که در سال مورد بررسی از یکی از امکانات سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری رایانه‌ای یا ارتباطات از راه دور بهره‌گیری می‌کند، ۱۰ امتیاز مثبت در نظر گرفته می‌شود. این امتیاز باتوجه به اهمیت نوع سخت‌افزار یا نرم‌افزار رایانه‌ای و یا ارتباطات از راه دور که به کار گرفته شده‌است، در

یک وزن ضرب گردیده و آنگاه در وزن ذکر شده در بخش (ب) نیز ضرب می‌شود.

۲-۵. در مورد شاخص (۲-۷) به ازای هر شعبه جدید افتتاح شده در سال مورد بررسی، ۱۰ امتیاز مثبت در نظر گرفته می‌شود.

۳-۵. در مورد شاخص (۲-۷) به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص نسبت به سال گذشته، ۵ امتیاز مثبت و به ازای هر یک درصد کاهش در این شاخص نسبت به سال گذشته، ۵ امتیاز منفی در نظر گرفته می‌شود. حداکثر امتیازات ۱۰۰+ امتیاز و حداقل ۵۰- امتیاز می‌باشد.

نتایج رتبه‌بندی عملکرد ۱۰ بانک کشور به روش گزینه اول و براساس اطلاعات مالی سال ۱۳۷۸ در جدول صفحه بعد مشاهده می‌شود.

گزینه اول سال ۱۳۷۸

| ردیف | نام بانک | جمع امتیازات |
|------|--------------|--------------|
| ۱ | ملت | ۵۲/۴ |
| ۲ | مسکن | ۴۹/۳ |
| ۳ | کشاورزی | ۴۴/۴ |
| ۴ | صادرات | ۴۳/۴ |
| ۵ | سپه | ۴۲/۹ |
| ۶ | رفاه کارگران | ۳۹ |
| ۷ | تجارت | ۳۷/۵ |
| ۸ | صنعت و معدن | ۳۷ |
| ۹ | توسعه صادرات | ۳۰/۸ |
| ۱۰ | ملی ایران | ۲۶/۵ |

۲-ج) گزینه دوم:

در اینجا گزینه دیگری برای امتیازدهی به شاخص‌های تعریف شده در بخش الف پیشنهاد می‌گردد.

۱) امتیازدهی به کلیه شاخص‌های به استثنای شاخص (۱-۳-۲) و شاخص‌های مذکور در بندهای ۵، ۶ و ۷:

برای امتیازدهی به این شاخص‌ها، می‌توانیم عدد حاصل برای هر شاخص را با متوسط سه سال گذشته همان شاخص برای بانک مورد نظر مقایسه کرده و میزان رشد یا کاهش آن را به دست آوریم. علت استفاده از متوسط سه سال گذشته آن است که نوسانات احتمالی سالیانه، تعدیل شده و تحلیل مناسب‌تری حاصل شود. به این ترتیب فرمول محاسبه به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P = \frac{\text{اندازه شاخص تعریف شده برای بانک مورد نظر در سال مورد بررسی}}{\text{متوسط سه سال گذشته شاخص برای بانک مورد نظر}}$$

عدد حاصل به صورت درصدی بوده و می‌تواند مثبت یا منفی باشد که براساس جدول زیر امتیازدهی می‌شود.

| مقدار عدد P | از ۱۵٪ به بالا | از ۵٪ تا ۱۵٪ | از ۵٪ تا ۱۰٪ | از ۱۰٪ تا ۲۰٪ | از ۲۰٪ به پایین |
|-----------------|--|--|--|--|---|
| نحوه امتیاز دهی | به‌ازای هر یک درصدافزایش، ۲ امتیاز مثبت به‌اضافه‌کل امتیازات مثبت سطوح قبل | به‌ازای هر یک درصدافزایش، ۲ امتیاز مثبت به‌اضافه‌کل امتیازات مثبت سطوح قبل | به‌ازای هر یک درصد کاهش یک امتیاز مثبت | به‌ازای هر یک درصد کاهش یک امتیاز منفی به‌اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | به‌ازای هر یک درصدکاهش، ۲ امتیاز منفی به‌اضافه امتیازات منفی سطوح قبل |

علت استفاده از طبقات مندرج در جدول فوق آن است که هر چه انحراف از سمت بالای عدد صفر بیشتر باشد، افزایش یک درصد به عدد P مشکل‌تر شده و تلاش بیشتری را می‌طلبد بنابراین، می‌بایست امتیاز بیشتری را به خود اختصاص دهد. مثلاً افزایش عدد P از ۲۰ درصد به ۲۱ درصد، تلاش بیشتری می‌طلبد تا افزایش آن از عدد مثلاً ۲ درصد به ۳ درصد. بر همین اساس نیز هرچه انحراف P از سمت پایین عدد صفر بیشتر باشد، در طبقات پایین‌تر قرار گرفته و به ازای هر یک درصد کاهش، امتیاز منفی بیشتری دریافت می‌دارد. در این گزینه نیز حداکثر امتیاز ۱۰۰+ و حداقل ۵۰- خواهد بود.

۲- نحوه امتیازدهی به شاخص ۱-۳-۲ و شاخص‌های مندرج در بندهای ۵ و ۶:

برای امتیازدهی به این شاخص‌ها همانند گزینه ۱ عمل می‌شود.

نتایج رتبه‌بندی عملکرد بانک‌ها براساس گزینه دوم در جدول صفحه بعد

مشاهده می‌شود.

گزینه دوم سال ۱۳۷۸

| ردیف | نام بانک | جمع امتیازات |
|------|--------------|--------------|
| ۱ | مسکن | ۶۴/۹ |
| ۲ | تجارت | ۶۲/۶ |
| ۳ | صادرات | ۶۰/۹ |
| ۴ | سپه | ۵۷/۹ |
| ۵ | توسعه صادرات | ۴۶/۹ |
| ۶ | کشاورزی | ۴۴/۹ |
| ۷ | ملت | ۲۴/۲ |
| ۸ | صنعت و معدن | ۲۰/۵ |
| ۹ | رفاه کارگران | ۲۹/۲ |
| ۱۰ | ملی ایران | ۲۸/۲ |

۳-ج) گزینه سوم:

در اینجا برای امتیازدهی به شاخص‌های تعریف شده در بخش (الف)، گزینه دیگری پیشنهاد می‌شود:

۱- نحوه امتیازدهی به کلیه شاخص‌ها به استثنای شاخص (۱-۳-۲) و شاخص‌های مندرج در بندهای ۵، ۶ و ۷:

در این گزینه برای امتیازدهی به شاخص‌های تعریف شده، از متوسط شاخص برای صنعت بانکداری سه سال گذشته استفاده می‌نماییم، به این ترتیب؛ فرمول محاسبه به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$P^f = \frac{\text{اندازه شاخص تعریف شده برای بانک مورد نظر در سال مورد بررسی}}{\text{متوسط به سال گذشته شاخص برای بانک مورد نظر}}$$

علت استفاده از متوسط سه سال گذشته صنعت بانکداری، حذف نوسانات احتمالی سالانه و حذف نوسانات احتمالی بین بانک‌ها می‌باشد. همچنین برای اینکه این متوسط قابل قبول‌تر باشد، لازم است بانک‌های کشور به دو دسته بانک‌های تجاری و بانک‌های تخصصی تقسیم‌بندی شود، تا متوسط محاسبه شده از نوساناتی که در اثر تفاوت نوع فعالیت‌های بانک‌ها حاصل می‌شود، مصون بماند (گرچه نوع فعالیت بانک‌های تخصصی و نیز نوع فعالیت بانک‌های تجاری با یکدیگر کاملاً مشابه نیستند. عدد حاصل را همانند روش‌های اول و دوم با یکی از طبقات جدول زیر تطبیق داده و امتیاز حاصله را به دست می‌آوریم. حداکثر امتیازات هر شاخص ۱۰۰+ و حداقل ۵۰- خواهد بود.

| رشد شاخص نسبت به سال قبل صنعت نسبت به سال گذشته | از ۱۵٪ به بالا | از ۵٪ تا +۱۵٪ | از ۵٪ تا +۵٪ | از ۵٪ تا -۱۰٪ | از ۱۰٪ تا -۲۰٪ | از ۲۰٪ به پایین |
|--|--|--|-------------------------|-------------------------|---|---|
| نحوه امتیاز دهی | به ازای هر یک درصد افزایش | به ازای هر یک درصد افزایش | به ازای هر یک درصد کاهش | به ازای هر یک درصد کاهش | به ازای هر یک درصد کاهش | به ازای هر یک درصد کاهش |
| | ۲ امتیاز مثبت به اضافه کل امتیازات مثبت سطوح قبل | ۲ امتیاز مثبت به اضافه کل امتیازات مثبت سطوح قبل | افزایش یک امتیاز مثبت | کاهش یک امتیاز منفی | ۲ امتیاز منفی به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل | ۳ امتیاز منفی به اضافه امتیازات منفی سطوح قبل |

۲- نحوه امتیازدهی به سایر شاخص‌ها:

نحوه امتیازدهی به سایر شاخص‌ها در این گزینه نیز مشابه گزینه اول می‌باشد.

نتایج رتبه‌بندی عملکرد بانک‌ها براساس گزینه سوم در جدول صفحه بعد مشاهده می‌شود.

گزینه سوم سال ۱۳۷۸

| ردیف | نام بانک | جمع امتیازات |
|------|--------------|--------------|
| ۱ | صادرات | ۵۹/۹ |
| ۲ | تجارت | ۵۶/۹ |
| ۳ | مسکن | ۵۴/۲ |
| ۴ | رفاه کارگران | ۵۲/۸ |
| ۵ | توسعه صادرات | ۵۲/۷ |
| ۶ | کشاورزی | ۵۰/۹ |
| ۷ | سپه | ۲۷/۸ |
| ۸ | ملت | ۲۷/۴ |
| ۹ | صنعت و معدن | ۲۵/۱ |
| ۱۰ | ملی ایران | ۲۴/۲ |

د) نحوه درجه بندی بانکها و محاسبه پاداش عملکرد

برای محاسبه امتیاز نهایی هر بانک کافی است امتیازات هر شاخص را به یکی از سه روش پیش گفته محاسبه نموده و در وزن مربوط به همان شاخص که در بخش (ب) پیشنهاد شده است ضرب، و با یکدیگر جمع نماییم و حاصل را بر عدد ۱۰۰۰ تقسیم کنیم. عدد حاصل، امتیاز نهایی بانک محسوب شده و بانکها براساس این عدد رتبه بندی می شوند.

برای محاسبه پاداش هر بانک، به عنوان مثال با فرض اینکه بانکی که تمام امتیازات را کسب کند پاداش کارکنان آن معادل ۱۲۰ روز سالانه می باشد. عدد حاصل در جمع حقوق و مزایای روزانه بانک مربوطه ضرب می شود تا میزان پاداش عملکرد آن بانک به دست آید. در این مثال چنانچه یک بانک کلیه امتیازات را کسب کند، حداکثر به میزان ۱۲۰ روز از حقوق و مزایای خود را به عنوان پاداش دریافت می دارد.

ه) محدودیتها و اشکالات

با همه دقتی که در تهیه این طرح مقدماتی و تعریف شاخص های آن به کار رفته است، باز هم نمی توان گفت دستورالعملی خالص از هرگونه ایراد و اشکال به دست آمده است. بنابراین جا دارد صاحب نظران به منظور ارتقای آن، نظریات و پیشنهادات اصلاحی خویش را ارایه دهند. به همین منظور و همچنین برای آنکه محدودیت هایی که تدوین این دستورالعمل با آن مواجه بوده است، روشن شود فهرست این محدودیتها در این قسمت گزارش شده است. بدیهی است ارزیابی دستورالعمل در چارچوب محدودیت های ذکر شده، زمینه قضاوت واقعی تری را فراهم خواهد کرد. همچنین در هنگام تعریف شاخص ها اشکالات وارد به شاخص تا حد امکان توضیح داده شده و بعضی از مسایل نیز در مقدمه آورده شده است. با این حال در این قسمت مجدداً، این مسایل به صورت فهرست وار ذکر می گردد:

۱- محدودیت‌ها:

این طرح با توجه به محدودیت‌های زیر تدوین یافته است:

- ۱-۱) شاخص‌ها به‌گونه‌ای تعریف شده‌است که بتوان آنها را از اطلاعاتی که در صورت‌های مالی و گزارش‌های هیأت مدیره و بودجه مصوب بانک‌ها آرایه می‌شوند، محاسبه نمود. شاخص‌هایی که این خاصیت را نداشته‌اند، حتی در صورت مناسب بودن نیز، از فهرست شاخص‌ها حذف شده‌اند، مگر تعداد معدودی از شاخص‌ها که الزام آرایه اطلاعات لازم برای محاسبه آنها، در گزارش‌های هیأت مدیره و یا صورت‌های مالی، مشکلات چندانی به بار نمی‌آورد.
 - ۱-۲) مقایسه بانک‌ها با یکدیگر؛ با توجه به رسالت هر بانک در حوزه تجاری، تخصصی و در زمینه‌های سرمایه‌گذاری بهتر است. به دلیل نبود امکان شاخص‌های مقایسه میان بانک‌های تخصصی با یکدیگر اجتناب صورت پذیرفته است.
 - ۱-۳) پیچیدگی سازمان‌ها، بیش از آن است که بتوان به‌وسیله شاخص‌ها، هرچند به تعداد زیاد یا دقیق، عملکرد آنها را دقیقاً اندازه‌گیری نمود. بنابراین در طراحی و انتخاب شاخص‌های مناسب تجزیه و قضاوت حرفه‌ای دخیل خواهد شد.
 - ۱-۴) در سطح کشور و بانک‌های کشور، استانداردهای عملکرد معینی تدوین نیافته است، بنابراین مقایسه شاخص‌ها با استانداردها، عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد در این مورد از متوسط‌هایی بهره گرفته شده‌است که خالی از اشکال نمی‌باشد.
- کمی کردن بعضی متغیرها نظیر؛ میزان رضایت شغلی کارکنان، میزان رضایت مشتریان و غیره مشکل و هزینه‌بر است، بنابراین از به‌کارگیری این متغیرها، اگرچه اهمیت فراوانی دارند، صرف‌نظر شده‌است.

۲- اشکالات:

- ۲-۱) در بسیاری از موارد برای اندازه‌گیری میزان عملکرد، لازم است از گردش حساب‌ها استفاده شود. مثلاً برای تعیین اینکه بانک چه مقدار در جذب سپرده‌ها و یا

اعطای تسهیلات فعالیت نموده‌است مانده‌های پایان دوره کفایت نمی‌کنند بلکه به ترتیب گردش‌های بستانکار و بدهکار حساب‌های مربوطه تعیین‌کننده‌اند. از آنجا که به دست آوردن گردش خالص این حساب‌ها و حذف گردش‌هایی که در اثر اشتباهات حاصل شده‌است نیازمند یک حسابرسی جداگانه است، لذا به مانده ریالی پایان دوره اکتفا شده‌است.

۲-۲) در نسبت درآمد به هزینه، لازم است درآمدها، تفکیک شده و هزینه‌های مربوط به هر درآمد با آن درآمد مقایسه شود. مثلاً؛ درآمد خدمات بانکی اعطایی باید در مقایسه با هزینه‌های آن یا درآمد تسهیلات اعطایی می‌بایست با هزینه‌های آن، تحلیل گردند. این امر نیازمند به‌کارگیری یک سیستم حسابداری قیمت تمام شده می‌باشد که در حال حاضر برقرار نمی‌باشد. بنابراین مجموع هزینه‌ها ملاک مقایسه قرار گرفته‌است.

۲-۳) گرچه در یکی از گزینه‌های مربوط به امتیازدهی، شاخص‌های مربوط به صنعت بانکداری برای بانک‌های تجاری و بانک‌های تخصصی جداگانه محاسبه و ملاک عمل قرار گرفته‌است ولی با این حال نمی‌توان گفت فعالیت بانک‌های تجاری با یکدیگر و همچنین فعالیت بانک‌های تخصصی با یکدیگر مشابهت زیادی دارند. اما باتوجه به این موضوع برای به دست آوردن یک شاخص مناسب، از این تقسیم‌بندی گریزی نبوده‌است.

۲-۴) برای ارزیابی بهتر میزان عملکرد بانک در وصول مطالبات باید نوع صنعت و شرایط آن را مدنظر قرار داد. مثلاً چنانچه صنعت مسکن دچار رکود شود، طبیعی است که میزان عدم بازپرداخت وام‌های مسکن افزایش خواهد یافت و این امر، به عملکرد مدیریت هم مربوط نمی‌شود. لازم به ذکر است در صورت‌های مالی و گزارش‌های هیأت مدیره، تفکیک وام‌ها و تسهیلات و اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌ها برحسب نوع صنعت گزارش نشده‌است.

۲-۵) تصمیماتی که اثرات مطلوب بلندمدت به همراه دارند می‌توانند اثرات

نامطلوب کوتاهمدت نیز به جای گذارد. مثلاً یک سرمایه‌گذاری ممکن است سودهای آتی به دنبال آورد، حال آنکه بر اثر فعالیت هزینه‌ها در دوره کنونی، سود دوره جاری کاهش داشته‌باشد. شاخص‌های مذکور در این دستورالعمل تنها عملکرد کوتاهمدت را ارزیابی می‌کنند و از ارزیابی تصمیماتی که اثرات خود را بعداً به جای می‌گذارد، عاجزند. به نظر می‌رسد که راه‌حل، آن باشد که هزینه‌هایی که در دوره جاری تحقق می‌یابند و به نوعی منافع آتی را به همراه دارد، از جمع هزینه‌ها (هزینه‌های جاری یا دارایی‌ها) کسر گردیده و به گونه‌ای دیگر ارزیابی شود. حال اینکه به دست آوردن این مبالغ، نیازمند بررسی جداگانه‌ای توسط حساب‌برسان خواهد بود.

۲۶) اختلافات مالیاتی معمولاً در دوره مالی برطرف نمی‌گردد و رفع آنها به دوره‌های آتی موکول می‌شود. بنابراین توانایی مدیریت در به‌کارگیری ترکیبی از سرمایه؛ که کمترین هزینه را پس از اعمال نرخ‌های مالیاتی داشته‌باشد، در دوره مورد بررسی امکان‌پذیر نمی‌باشد.